

## موسیقی در مدارس

دکتر ج. مین وارینگ Dr. J. Mainwaring در کتاب خود بنام «آموزش موسیقی در مدارس» بصراحت و درستی لزوم و اهمیت موسیقی را در مدارس تأکید میکند.

و در حقیقت همانطور که او اشاره میکند بندرت دیده شده که وقتی طفل بدبستان وارد گردید و با موسیقی آشنا شد تا پایان دبستان یعنی سن ۱۲ و ۱۱ سالگی آنرا ادامه داده و پیشرفتش معلوم گردد.

در عده‌ای از دبستانها موسیقی جزو دروس فوقی بر نامه بوده و در پاره‌ای از مدارس نیز فقط محدود بساعاتیست که بچه‌ها باید در کلاس سرود بخوانند و معلم باینکه قدم زده و صداهای ناهنجار عده‌ای را ساکت نماید و یا با اصرار از شیطنت و بازیگوشی عده‌ای جلوگیری نماید قانع میباشد.

در واقع طرق یاد دادن غلط موسیقی در بعضی از مدارس باعث تنفر و بیعلاقگی همیشگی عده‌ای از بچه‌ها نسبت بموسیقی خواهد شد.

لذا جای تعجب نیست که وقتی معلم موسیقی در دبیرستانها بادانش آموزان تازه وارد و مختلفی از دبستانهای مختلف و با تعلیمات گوناگون موسیقی روبرو خواهد شد خود را در موقعیتی خواهد دید که قادر بآموختن و بالا بردن سطح معلومات شاگردان نخواهد دید و لذا مجبور است که سال اول و یا قسمتی از آن

را فدای آموزش مقدمه ریتم و صدا بنماید .

۲- البته در چنین مواردی بسختی میتوان مدارس را برای این قبیل برنامه‌های غلط و غیر معقولشان سرزنش نمود زیرا هنوز در پاره‌ای از آن وجود معلم موسیقی بسیار نادر و کمیاب بوده و فقط در دبستانهای بزرگتر میتوان معلمین موسیقی متخصص را بطور تمام وقت پیدا کرد.

لذا دور از انصاف است که انگشت اتهام بطرف معلمین دبستانها دراز کنیم، معلمینی که بعلمت‌سازش و اصلاح محیط با مسائل بفرنج و مهمی سروکار دارند. معلمینی که در هر موردی با طوفانی از اعتراضات پدران و مادران روبرو خواهند شد، پدران و مادرانیکه آینده فرزندان شان اذهان آنان را بخود مشغول ساخته تا بتوانند در مدارس صرف و نحو، جاهائی را برای آنها دست و پا نمایند، پدران و مادرانیکه عقیده دارند که اوقات با ارزش را بجای یاد گرفتن دروس اساسی نبایستی صرف موسیقی نمود و لذا مدارس مقدماتی نیز با چنین مسائلی یعنی آماده نمودن طفل برای امتحان عمومی ورودی روبرو خواهد بود.

وضعیت مدارس نیز بهمان اندازه که درباره موسیقی صحبت شد پیچیده بنظر میرسد . مثلاً در دبستانها هر معلم مسئول کلاس خود میباشد و بایستی تمام موضوع را خود تدریس نماید اگر چه راجع باین سیستم نکات زیادی را میتوان یادآور شد ولی شکی ندارد که موسیقی نیز نتیجه چنین آموزش غلط میباشد.

دیر زمانی نیست که موسیقی یکی از دروس اجباری دانشکده‌ها شده و تعداد خیلی از دانشجویان همراه با سایر دروس خود آنرا نیز انتخاب میکنند. در هر صورت بنحوی که اشاره گردید در سنی که دانش‌آموزان میتوانند بهتر موسیقی را بیاموزند موسیقی بوسیله معلمی آموخته میشود که معلومات او بطور قابل توجهی از اطلاعات در سایر موضوعات درسی کمتر است همه اینها دلالت ضعف سیستم و روش ما در پرورش معلمین موسیقی میباشد .

بنا بگزارش «ماک‌نیر» در ۱۹۴۴ و گزارش کمیته «استخدام و آموزش معلمین موسیقی مدارس» در ۱۹۵۴ از کمیت و کیفیت آموزش موسیقی در مدارس بطور صریح انتقاد بعمل می‌آید.

همزمان با انتشار این گزارش تغییرات فاحشی در روشها و متدهای آموزشی  
معلمین بوجود آمد و همچنین دوره جدیدی که بنام G.R.S.M. در ۱۹۵۶  
بمرحله عمل در آمد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای روی آموزش سالمندان داشت و  
دوره اوائل ۱۹۳۰ را تکمیل نمود.

البته مهم است بخاطر داشته باشیم که اغلب مدیران مدارس صرف و نحو  
بطور کامل ارزش تعلیم و تربیت موسیقی را تشخیص داده‌اند و کوشش خود را  
صرف تطبیق دادن و همراهی کردن بر نامه‌های کنونی به نسبت مناسبی باموسیقی  
نموده‌اند. ولی نمیتوان انکار کرد که مدیران پاره دیگر مدارس نسبت باموسیقی توجه  
و علاقه کمتری داشته و لذا کمک قابل توجهی نسبت به پیشرفت آن نخواهند کرد.  
اکثر بر نامه‌ها و موقعیت‌های مناسب موسیقی میتواند انگیزه‌ای جهت  
بیداری و وسعت خیال و تصور در شاگردان باشد، همچنین رشد احساسات و عواطف  
را بعهدده دارد. از طرفی موضوعات مربوط بزبانی شناسی در طول سالهای بلوغ  
نوعی تقاضا و خواسته‌ها و احتیاجات را در جوانان بوجود می‌آورد که این احساسات  
و عواطف را خیلی پریشان و زار نموده که موسیقی میتواند اغلب جلوی این  
پریشانی را بگیرد و لذا بخصوص بعد از کلاس دوم و سوم موسیقی برای دانش  
آموزان ضروری و لازم بنظر میرسد.

برطبق نظریات «نوئل لانگ» Noel long « فقط ۰/۳۷ دبیرستانهای  
انگلیسی موسیقی را بعنوان یک درس اجباری در طول دوره تحصیل در برنامه  
داشته‌اند و در ۰/۲۱ آنها موسیقی هرگز بصورت اجبار وجود نداشته و یا  
اینکه در ۱۳ سالگی آنرا تا کلاس ششم متوقف خواهند کرد.

در اغلب دبیرستانهای صرف و نحو و بخصوص آنها یک دوره ۴ ساله جهت  
آمادگی امتحانات G.C.E. مخصوص شاگردان ممتاز می‌گذرانند پس از کلاس  
چهارم که درسها گسترش مییابد موسیقی را بطور کلی کنار می‌گذرانند.

در بعضی مواقع نیز امکان دارد که رئیس یک دبیرستان قادر بتأمین حقوق  
یک معلم موسیقی کارآموده نباشد و لذا مجبور است از وجود معلمین سایر دروس  
که شاید اندکی بتواند پیانو بنوازد استفاده کند و چون دانش آموزان آنطور

که باید و شاید نمیتوانند از وجود چنین معلم موسیقی استفاده نمایند رئیس مدرسه نیز از گنجاندن موسیقی در برنامه اظهار نگرانی خواهد کرد.

### ادامه موسیقی پس از اتمام دبستان و ورود دبیرستان

معلوم است که با چنین اختلافاتی در کم و کیف آموزش موسیقی در دبستانها معلم موسیقی در برداشتن قدمهای اولیه در دبیرستانها دچار بامشکلات سختی خواهد شد.

عدهای عقیده دارند که اگر در همه دبستانها تعدادی از سرودهای کوتاه تنظیم شده بموقع خود یاد داده شود کار معلم در دبیرستان بسیار آسان خواهد شد. همچنین گزارش مدیران مدارس راجع بکارهای انجام شده موسیقی در مدارس خویش کمک بزرگی خواهد بود. اگر چنین اطلاعاتی از مدارس درست نباشد معلم باید يك کارنامه مختصری از زمینههای قبلی موسیقی هر شاگرد که از مدرسه دبیرستان میآید آماده نماید. این قبیل اطلاعات ممکنست بوسیله پرسشنامههاییکه بین دانش آموزان توزیع میشود بدست آید تا در باره تجارب موسیقی: خواندن آواز، نواختن آلات موسیقی اطلاعات مفیدی بدست آید و یا ممکنست از تستهای هوش موسیقی «دکتر وینگ - Dr. Wing» جهت شناختن قدرت موسیقی اطفال استفاده نمود.

کارنامههاییکه بدین طریق از تجارب موسیقی دانش آموزان بدست میآید میتواند برای بسیاری از مواقع مانند انتخاب کر مدرسه مورد استفاده قرار گیرد.

### انتشار کتاب راهنما در باره پیشنهادات طرحهایی برای معلمین

اغلب طرحهاییکه جهت پیشرفت تعلیم موسیقی و با توجه کامل بوجود آمده بدست فراموشی سپرده شده است و علتش تغییر ناپذیری آنها بوده است. طرحها بایستی بطور صحیح و با قاعده مورد مشورت قرار گرفته و هر کجا لازم باشد بتوان آنها را تغییر داد و در واقع بایستی انعطاف پذیر باشد.

بنابراین کار بسیار مشکلی است که انتظار داشته باشیم میتوانیم بدرستی و صحت کار را که در مورد پیشرفت موسیقی در هر ترم انجام داده ایم اندازه گیری کنیم. بخصوص باید معلمینیکه تجربه کمتری دارند بیشتر راهنمایی شوند تا از مقدار کاریکه در هر درس بخوبی انجام میدهند یادداشتهایی تهیه نمایند و لذا معلم در آخر هر ترم در يك موقعیت و شرایط بهتری میتواند اندازه کار انجام شده

را در آن ترم بدست آورده و هر کجا مناسب بداند آنرا تغییر دهد .  
بعلاوه آماده نمودن طرحهای مقدماتی برای پیشرفت موسیقی دانش  
آموزان منجر به هدفهای اصلی و اساسی طرح مورد نظر خواهد شد. و از آنجمله  
بوجود آمدن گروه کر و گروه ارکستر مدرسه و بازدید اجتماعات مختلف از آنها  
است لذا معلم در مورد هر طرح و در هر ترمی قبل از شروع کار خود هدف نهائی  
خود را در مورد آن طرح بایستی معلوم کند .

**ادامه تعلیم و پیشرفت موسیقی بین سن مدرسه و سالمندی**  
دکتر شولز «Dr. Scholes» عقیده دارد آن معلم موسیقی که پیشرفت و  
علاقه شاگردانش پس از اتمام دوره موسیقی ناگهان متوقف میشود در واقع  
شکست خورده است.

جملات ذیل از یک تزدکتر آمریکائی است: «تعلیمات موسیقی در صورتی  
مؤثر بوده است که علاقمندی بآن در سنین سالمندی و کهولت در انسان باقی بماند.»  
حال باید دید که معلمین چه میتوانند انجام دهند تا دانش آموزان پس از  
ترک مدرسه پیشرفت موسیقی خود را دنبال کنند؟  
در تعلیم موسیقی بدانش آموزان مسن تر سعی شود که این قبیل تعلیمات را  
باشغل آینده و تجارب آنها مربوط ساخت . گزارش فوق الذکر احتیاج مبرم و  
همه جانبه تعلیمات موسیقی را تأکید میکند که معلمین موسیقی پیشرفتهای شاگرد  
را در مدرسه با فعالیتهای بعدی و آینده طفل مربوط ساخته و نظری بماوراء افق  
فعلی کلاس درس افکنند.

بنابگزارش مک نیر «Mc Nair» موسیقی مدرسه باید با تعلیم و تربیت  
بیشتر و خدمت نسل جوان مربوط باشد و اینها بنوبه خود با بسیاری از اجتماعات  
اختیاری داوطلبانه جوانان که اوقات فراغت و تفریح نسل را پرورش و توسعه میدهد  
ارتباط خواهد داشت .

برای جلوگیری از بین رفتن موسیقی یاد گرفته شده دبستان در سن بلوغ  
یک راه حقیقی و مثبت وجود دارد و آن این است که معلم موسیقی بعنوان راهنما  
در یکی از تشکیلات و سازمانهای جوانان شرکت و همکاری نماید.

ترجمه: اصغر - خالدان